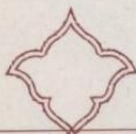


مروری بر مکتب عرفانی شهید اول قدس الله نفسه

استاد حاج شیخ محمد حسن وکیلی



سرشناسه: وکیلی، محمد حسن، ۱۳۵۹ - عنوان قراردادی: احادیث خاص (عنوان
بصری). فارسی - عربی * Arabic - Persian (Onvan Basari). Hadiths, Special.
عنوان و نام پدیدآور: شهید عارف؛ مروری بر مکتب عرفانی شهید اول قدس الله
نفسه/محمد حسن وکیلی؛ ویراستار: کوثر احسن مقدم. مشخصات نشر: مشهد:
موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۸. مشخصات ظاهری: ۱۱۶ ص.
شابک: ۲-۲۰-۸۸۷۷-۶۰۰-۹۷۸. وضعیت فهرست نویسی: فیبا. یادداشت: کتابنامه: ص.
۹۵. عنوان دیگر: مروری بر مکتب عرفانی شهید اول قدس الله نفسه. موضوع: شهید
اول، محمد بن مکی، ۲۳۴ - ۷۸۶ ق. موضوع: فقیهان شیعه -- سرگذشتنامه.
موضوع: * Biography. Faqih, Shiite. موضوع: عارفان -- سرگذشتنامه.
موضوع: Mystics -- Biography.
رده بندی کنگره: ۵/ BP۱۵۳. رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۹۲۴
شماره کتابشناسی ملی: ۶۳۳۳۵



شهید عارف

مروری بر مکتب عرفانی شهید اول قدس الله نفسه

استاد حاج شیخ محمد حسن وکیلی

طراحی گرافیک: حامد امامی / خوشنویسی جلد: روح الله برعضلی

شابک: ۲-۲۰-۸۸۷۷-۶۰۰-۹۷۸

چاپ دوم: بهار ۱۴۰۳ / شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نشانی: مشهد مقدس، خیابان امام خمینی ۱۴، جنب مسجد حمزه،

پلاک ۳۶، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.

سایت: towhidshop.org و towhid.org

نشانی در شبکه های اجتماعی: @Ostad_vakili

شماره تلفن: ۰۹۱۵۵۶۷۲۸۴۵

فهرست

۷ مقدمه

بخش اول: زندگی نامه شهید/ ۱۳

۱۵ کارنامه علمی شهید

۱۶ ابتکارات علمی

۱۷ اهم تألیفات شهید

۱۹ شاگردان شهید

۱۹ کیفیت شهادت

بخش دوم: عرفان و شهید اول/ ۱۱

۲۳ فصل اول: اساتید شهید و گرایش های عرفانی ایشان

۲۴ فخرالمحققین

۲۷ ابن معین

۳۳ فصل دوم: وصایای عرفانی شهید

۳۵ الوصیة الأولى

۸۳ وصیت اول

۴۱ الوصیة الثانية

۴۳ وصیت دوم

۴۵ الوصیة الثالثة

۴۷ وصیت سوم

۴۹	فصل سوم: اشعار عرفانی شهید
۴۹	اشعار شهید در تصوف راستین
۵۴	اشعار شهید در فراق نماز شب
۵۶	فصل چهارم: عبارات برخاسته از گرایشات عرفانی
۵۶	۱. نگاه شهید به مراتب علوم
۵۷	۲. غایت تکالیف الهی از منظر شهید <small>رحمته علیه</small>
۵۹	۳. شکر الهی
۶۲	۴. تعریف شهید اول از صوفیه
۶۴	فصل پنجم: شاگردان شهید اول
۶۴	فاضل مقداد (متوفای ۸۲۶ هـ ق)
۶۸	سلطان بصری

بخش سوم: ضمائم / ۷۹

۸۱	ضمیمه یک: رابطه تصوف و سبب در عصر شهید اول
۸۵	ضمیمه دو: توضیحی درباره فر
۱۱۰	کتاب نامه

مقدمه

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَنْ أَبِي رَامَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: أَيُّهَا النَّاسُ إِذَا عَلِمْتُمْ فَأَعْمَلُوا بِمَا عَلِمْتُمْ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛
إِنَّ الْعَالِمَ الْعَمَلُ سِيرُهُ، جَاهِلُ الْحَاثِرِ الَّذِي لَا يَسْتَفِيقُ عَنْ جَهْلِهِ بَلْ قَدَّرَ أَيْتُ
أَنَّ الْحُجَّةَ عَلَيْهِ أَعْقَابُهَا وَالْحُسْرَةَ أَدْوَمُ عَلَى هَذَا الْعَالِمِ الْمُتَسَلِّخِ مِنْ عِلْمِهِ.

یکی از اصول مهم تحصیل علم عمل به آن است، به گونه‌ای که در
منطق قرآن و اهل بیت علیهم السلام عامه می‌آید که به علمش عمل ننماید مانند
جاهلی سرگردان به حساب می‌آید که از غایت جهل بر نمی‌خیزد.
توجه به این نکته در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام ضرورت
وجود برنامه‌ریزی هم‌زمان برای تحصیل علم و تهذیب نفس را در مراکز
علمی روشن می‌سازد.

یکی از صفحات درخشان تاریخ حوزه‌های علمیه شیعی در
قرن‌های هفتم تا نهم وجود برنامه‌های رسمی تهذیب نفس در مراکز
علمی شیعی و زیر نظر بزرگان شیعه می‌باشد.

بر خلاف تصور رایج در اذهان عده‌ای از اهل علم، در این دوره
نهضتی وسیع در حوزه علمیه عراق با عنوان فتوت و تصوف وجود

داشته است که زیر نظر عالمان شیعی اداره می شده است.

در وادی فتوت و تصوف برنامه‌ای رسمی برای تهذیب نفس زیر نظر عالمان شیعی برقرار بوده است و افرادی که در چرخه این برنامه وارد می شدند به شکل رسمی لباسی که نشان فتوت یا تصوف بوده از بزرگان دریافت می نمودند.

تصوف در اصطلاح آن دوره به تصوف‌های باطلی که در برخی از دوره‌های متأخر شکل گرفت و خارج از حوزه دین و شریعت بوده ربطی ندارد. تصریح در حوزه‌های علمیه آن روز معادل عرفان شیعی فقهاتی در زمان ماست که نام بارز آن را باید در طریقه تربیتی مکتب عرفانی نجف و سیره مرحوم آیه الله حاج ملا حسینقلی همدانی و شاگردانشان مشاهده نمود؛ طریقتی که اصول، اهداف و روش‌های آن متخذ از شرع مقدس می باشد.



شهید اول از بزرگان این عصر ثلاثی است، بزرگمردی که هم در عرصه علم پیشرو و جلودار است و هم در عرصه سیاست و مدیریت اجتماعی کم نظیر می باشد و هم در وادی عرفان (به اصطلاح آن عصر تصوف) صاحب قدم است. عالمی که همواره اسم را با عمل آمیخته و توجه به ملکوت و جبروت و دوام ذکر و فکر و تهجد و خشوع و ناله و آه نیمه شب را سرلوحه برنامه خود قرار داده و مقصد نهائی سلوک را رسیدن به درجه‌ای می داند که سالک جز خدا نبیند و همه چیز حتی بهشت و جهنم از دید او از درجه اعتبار ساقط گردد.

شهید اول هم خود در وادی سیر و سلوک قدم زده بود و هم شاگردانی سلوکی داشت که به تربیت اخلاقی ایشان همت گماشته بود. شاگردانی

که مسلماً برخی از ایشان از طلاب علوم دینیّه بوده‌اند و در کنار استفاده علمی از مرحوم شهید از وجود پُر نور ایشان استفاده معنوی نیز نموده و برای درمان دردهای باطنی خود به آن عالم فرزانه پناه می‌برده‌اند.

آنچه امروزه بدان نیازی مبرم وجود دارد معرفی الگوئی هائی چون شهید اول است که جامع علم و عمل بوده و به مسأله تهذیب نفس به عنوان محوری اصلی در کنار تحصیل علوم رسمی نگاه کرده و برای آن برنامه‌ای مشخص داشته‌اند.

آری! تا زمانی که تربیت به معنای خاص آن در کنار مراکز تعلیمی حوزوی و دانشگاهی رسماً نباشد و هم‌چنان که تعلیم با برنامه انجام می‌شود تربیت و پرورش هم‌طور نباشد و اصولی دنبال نگردد حوزه‌ها و دانشگاه‌های جامعه اسلامی رنگ سبز حقیقی را که از جنس نور است به خود نخواهد دید.



رسالهٔ مختصر حاضر سیری کوتاه در مکتب عرفانی شهید اول و ارائه شواهد آن است. شواهدی که معمولاً در لابلای صفحات تاریخ به فراموشی سپرده شده و نوعاً حتی برای اهل تحقیق نیز نو و گاه عجیب جلوه می‌نماید.

اصل این رساله مجموعه‌ای از یادداشت‌های این حقیر در موضوع تاریخ عرفان شیعی و به خصوص مرحوم شهید اول است که به همت دو برادر گرامی حجج الاسلام والمسلمین شیخ مهدی ابراهیمی و شیخ محمدعلی زمانی زید عترهما تدوین شد و برخی از متون عربی آن نیز ترجمه گشت و حقیر پس از آن عبارات را ویرایشی کرده و چند صفحه‌ای بدان افزودم

و به شکل حاضر آماده تقدیم به محضر ارباب فضل و معرفت گشت. این رساله به مناسبت بزرگداشت مقام عرفانی شهید اول در همایش تشیع و عرفان در نهم جمادی الأولى ۱۴۴۱ (سالروز شهادت شهید اول) گرد آمده و لذا با کمی تعجیل همراه شده است و اگر فرصت می بود جا داشت به دیگر شواهد تاریخی در باب مکتب عرفانی حلّه و شهید اول نیز اشاره شود، ولی فعلاً بیش از این توفیق رفیق نگشت.

•••

مولاً یک مکتب عرفانی با سه شاخصه مبانی، اهداف و روش ها شناخته می شود. با هزار افسوس باید عرض شود که ما از مکتب عرفانی حلّه و به خصوص مکتب تربیتی عرفانی شهید اول قدس الله نفسه اطلاعاتی درخور نداریم. مولف تا کنون به آن دست نیافته است. آنچه اجمالاً مسلم می باشد این است که یک مکتب عرفانی مدون و قابل اعتماد در آن عصر در عراق وجود داشته است که کاملاً شیعی و فقاهتی بوده و اهداف و روش مشخص داشته است، و به مکتب عرفانی نجف و طریقه مرحوم آیه الله حاج ملاحسین علی همدانی و آیه الله قاضی و امثالهم علیهم السلام بسیار نزدیک بوده است. ولی ندانیم آیا این مکتب مبانی منقحی هم داشته است یا نه؟ و آیا جهان بینی خاصی بر آن حاکم بوده است یا نه؟ حقیر آگاهی لازمی در این باب تا به حال نیافته ام. در میان هم درسان شهید اول شخصیتی بزرگ چون مرحوم سید حیدر آملی را می بینیم که کاملاً ذوب در جهان بینی توحیدی و عرفان محیی الدینی است و با همان جهان بینی و مبانی به سیر و سلوک می پردازد و در همان عصر کسانی را می بینیم که در حوزه های شیعی

کتاب محیی الدین را تدریس می‌کردند؛ مانند عارف شیعی مرحوم شیخ عبدالرحمن بن احمد قدسی که سید حیدر در نجف در خدمتش منازل السائرین و فصوص را درس گرفته و در سال ۷۵۳ اجازه‌ای از ایشان دریافت نموده است و سپس با همان تمایلات عمیق عرفانی به محضر فخرالمحققین رفته و در ۷۶۱ از ایشان اجازه طویله را با آن تعابیر عجیب دریافت نموده است.

در طبقات بعد از شهید اول نیز با ابن فهد حلی شاگرد فاضل مقداد (شاگرد شهید) مواجهیم که تمایلات عرفانی محیی الدینی دارد؛ با این حال نمی‌دانیم که آیا شهید و استادشان ابن مَعین نیز توفیق رسیدن به جهان بینی توحیدی و خالص را داشته‌اند یا نه؟

اما از جهت هدف سلوک از برخی عبارات شهید به دست می‌آید که قرابت بسیار زیادی با مکتب عرفانی نجف داشته است و نهایت سیر را پس از ملاحظه ملکوت و معاینه جبروت و عبور از عالم حس و ماده و سیر در مجردات، به انقطاع کامل از ماسوی الله می‌داند که بدین جامنجر می‌گردد که: «یصیر همّ العاقل شیئا واحدا، و غایته ذلك الشیء سینظر فیه، و به، و منه، و الیه، و علیه، و یحذف غیره من درجات الاعتبار حتی الجنّة و النار». از جهت روش نیز قرابت بسیار است و عمده کار تحفظ بر عبادات و حضور قلب و ذکر و فکر و یاد مرگ و اداء حقوق و... می‌باشد و سلوک شهید نیز چون سلوک مکتب نجف آمیخته‌ای از اشتغال به خود و خدمت به خلق، و تقرب الی الله با حضور در متن اجتماع است.

از لحاظ ادبیات نیز شهید در برخی از عبارات به ادبیات عرفانی رائج بسیار نزدیک شده و به رفتن به میکده، فکر و ذکر و نوشیدن باده از

جام تجلی از دست ساغرگردان محفل تشویق می نماید.

شهید نیز چون عارفان حقیقی عصر مادللی پُر از عارف نمایان و صوفیان متظاهر و ریاکار داشته اند و در اشعار خود به بیان فرق صوفیان و عارفان حقیقی از ریاکاران پرداخته و شاخصه های هر یک را در ابیاتی بسیار زیبا و دلنشین تبیین می فرماید.

شیرین ترین صفحات این رساله کوتاه برای نگارنده فصل دوم از بخش حیات عرفانی شهید است که سه وصیت نامه سلوکی ایشان را به شدت بدان خود در برگرفته است، وصیائی که گمان می کنم برای هر طلبه ای لازم است. لا اقل یک بار آن را با توجه مطالعه نموده و از سیره عبادی و عملی رحمت شهید عبرت بگیرد و بداند که بدون این مجاهدات و ریاضات، مبادات تحصیل علم به تنهایی تأثیری در سعادت و نجات حقیقی انسان ندارد.

امید که این رساله کوتاه مورد استفاده امثال او عصر ارواحنفاذ قرار گرفته و به وساطت انفاس قدسیه مرحوم شهید عنایات آن حضرت شامل حال این بنده روسیاه و خوانندگان محترم گردد تا آفاق بیابیم در مسیر تهذیب نفس قدم برداشته و همچون آن شهید سعید بزرگوار عمر خود را در راستای رضای پروردگار طی نموده و با سرمستی از شراب ظهور ولایت و به تعبیر مرحوم شهید «باده جام تجلی» به خاتمه برسانیم. بمتّه و لطفه بمحمد و آلّه الطاهیرین

شیخ محمد حسن وکیلی

مشهد مقدس رضوی علی شاهدها آلف السلام

جمادی الأولى ۱۴۴۱